جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۳۴۱۶۵۴
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۸۸۸۶۲۱۹۴
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۷۳۳ | دوشنبه ٤ شهریور ۱۳۹۸ | ۲٤ ذی‌الحجه ۱٤٤۰ | اذان ظهر: ۱۳:۰۶ |
غروب آفتاب: ۱۹:٤۱ | اذان مغرب: ۱۹:۵۹ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۲۲ | اذان صبح فردا: ۰۵:۰۳ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۳۲ |

دیده‌بان | محمد صادقی

روایت زندگی شهید دهه هفتادی مدافع حرم به بازار کتاب می‌آید

«یک روز بعد از حیرانی» روایت داستانی زندگی شهید مدافع حرم دهه هفتادی محمدرضا دهقان به قلم فاطمه سلیمانی توسط انتشارات شهید کاظمی منتشر می‌شود.

به گزارش مهر، فاطمه سلیمانی خالق اثر «به سپیدی یک رؤیا» نویسنده جوانی که در سال‌های اخیر توانسته نگاهی تازه در فضای ادبیات داستانی دینی در ایران بازگشایی کند در اثر تازه خود از شهید مدافع حرم دهه هفتادی محمد رضا دهقان نوشته است.

شهید مدافع حرم «محمدرضا دهقان‌امیری» متولد ۲۶ فروردین ۱۳۷۴ در استان تهران دیده به جهان گشود. در تاریخ ۲۱ آبان ماه سال ۱۳۹۴ با عنوان بسیجی تکاور راهی سوریه شد و همزمان با آخرین روزهای ماه محرم‌الحرام در نبرد با تروریست‌های تکفیری در حومه حلب طی عملیات محرم شهید و در تاریخ ۲۵ آبان در امامزاده علی‌اکبر چیذر به خاک سپرده شد.

محمدرضا دانش آموخته دبیرستان علوم و معارف اسلامی امام صادق(ع) و دانشجوی سال سوم فقه و حقوق اسلامی در مدرسه عالی شهید مطهری بود.

اکران ۳ فیلم تازه از ۶ شهریور

قرارداد اکران فیلم‌های «پیلوت»، «مسخره‌باز» و «شکستن همزمان بیست استخوان» ثبت شد و اکران سه فیلم نیز از ششم شهریور آغاز می‌شود.

غلامرضا فرجی سخنگوی شورای صنفی نمایش با اشاره به مصوبات شورای صنفی نمایش گفت: قرارداد فیلم سینمایی پیلوت در گروه سینمایی زندگی بعد از پایان اکران فیلم «قسم»، قرارداد اکران فیلم مسخره‌باز در گروه سینمایی آستارا بعد از پایان اکران فیلم «شاه‌کش» و قرارداد اکران فیلم شکستن همزمان بیست استخوان برای تاریخ ۲۰ شهریور در گروه سینمایی آزاد ثبت شد. وی ادامه داد: همچنین از روز ششم شهریور اکران فیلم سینمایی «چاقی» در گروه سینمای ایران، فیلم «برمودا» در گروه سینمایی آستارا و فیلم «صدای منو می‌شنوید» در گروه سینمایی فرهنگ آغاز می‌شود. فرجی افزود: کف فروش سایر فیلم‌ها بالاست و اکران آنها ادامه دارد.

رونمایی از مستند داستانی «من زنده‌ام»

مستند «من زنده‌ام» محصول جدید از گروه مستند روایت فتح رونمایی می‌شود.

مجید فرجی کارگردان فیلم مستند داستانی «من زنده‌ام» گفت: در این مستند می‌خواهم از انسانیت صحبت کنم و از راهی که ادامه دارد. در این مستند به انسان‌های اخلاق‌مدار و زمینه‌ساز ظهور حضرت حجت(عج) پرداخته‌ام. سعی کرده‌ام با نگاه متفاوت به نسل جدید که قصد خوب ماندن و خوب زندگی کردن زیر سایه انسانیت را دارند، روایتگر خوبی‌ها باشم. وی در ادامه تصریح کرد: تمام ضعف‌هایی که در جوامع در حال توسعه وجود دارد به دلیل کمبود اخلاق در جامعه است، لذا سعی کرده‌ایم در این مستند داستانی به انسان‌های خوب بپردازیم و آنها را به نسل جدید معرفی کنیم و اطمینان داریم که یاد و خاطره‌شان هیچ گاه در گذر زمان فراموش نخواهد شد. آیین رونمایی از مستند داستانی «من زنده‌ام» روز سه‌شنبه ۹۸/۶/۵ در مجتمع فرهنگی- هنری اسوه برگزار خواهد شد.

استریمرهای ایرانی با یکدیگر رقابت می‌کنند

مسابقه حضوری استریمرهای برگزیده «آپارات گیم» در رشته FIFA ۲۰۱۹ برای اولین بار همزمان با فینال جام قهرمانان بازی‌های ویدئویی ایران برگزار می‌شود.

«آپارات گیم» به عنوان اولین و بزرگ‌ترین سرویس اشتراک‌گذاری گیم پلی و استریم در ایران و منطقه این مسابقات حرفه‌ای و تخصصی را با عنوان «اولین دوره از مسابقه استریمر برگزیده سال» و با همکاری بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای برگزار می‌نماید. گفتنی است هدف از برگزاری این مسابقه، حمایت از استریمرهای ایرانی و ایجاد یک رقابت سالم و جذاب در فضای گیم و استریم کشور و اثبات برترین‌های ایران در این حوزه تخصصی است. علاقه‌مندان جهت شرکت در این مسابقه تا پایان روز سه‌شنبه پنجم شهریور ماه ۱۳۹۸ فرصت دارند با مراجعه به سایت آپارات از میان ۱۲۶ استریمر، به استریمر منتخب مردمی رأی دهند.

حکمت

حکمت ۲۸۰

کسی که به یاد سفر طولانی آخرت باشد، خود را آماده می‌سازد.

نگاهی به فیلم در حال اکران «ایده اصلی»

لاکچری و کارت پستالی اما بی‌محتوا

■ افشین علیار

«ایده اصلی» دومین اثر سینمایی آزیتا موگویی همانند یک غذا تزئین زیبایی دارد اما مزه غذا آنقدر تند و زننده است که مشخص می‌شود آشپز فقط به دنبال آرایش و بزک غذا بوده و قادر به پختن اصولی آن غذا نبوده است.

فیلمساز برای سرپیچی از بخش محتوایی فیلمش به عناصری پناه برده که قطعاً ویژگی خاصی محسوب نمی‌شوند و اگر این فیلم از لحاظ محتوایی می‌توانست مسیر درستی را طی کند شاید به هیچ وجه تلاش بی‌هدفِ فیلمساز در کارت پستالی کردن نماها به چشم نمی‌آمد، اما در شرایط کنونی ما با اثری مواجهیم که تمام تلاش آن بر اساس لاکچری بودن و نظام سرمایه‌داری شکل گرفته و اساسا این شکل از فیلم در موازاتِ زاویه روایت آن نمی‌تواند به فرمی دست یابد که مخاطب با آن ارتباط برقرار کند. مشخص است که فیلم مبتنی بر ایده غیر خطی بودن شکل گرفته است، به طوری که فیلمساز با هدف ساخت یک فیلم معمایی قصد درام‌پردازی داشته است اما به دلیل پیچیدگی‌های روایی و تعدد کاراکتر و موقعیت نتوانسته شکل معمایی و تعلیق‌وار قصه را تا انتهای فیلم حفظ کند، حفره‌های فیلمنامه و ایجاد موقعیت‌ها آنقدر الکن است که از دقیقه ۲۰ یا زودتر از همان نشستِ اول یا جلسه در کشتی همه چیز لو می‌رود، هر مخاطبی با هر میزان از سطح آی‌کیو می‌تواند متوجه همدستی‌ها بشود، یادمان نرود که ایده فیلم کپی دست‌چندم از فیلم‌های هالیوودی است و مخاطب روز و شب با آن فیلم‌ها سروکار دارد و اساسا رودست خوردن و تعلیق‌های دراماتیک را به درستی حدس می‌زند، مخاطب در «ایده اصلی» از دقیقه ۲۰ به بعد دچار بلاتکلیفی می‌شود و از فیلمساز جلو می‌زند و تبدیل به دانای کل می‌شود، فیلمساز از مقطعی به بعد با ایجاد روایت غیرخطی و شلوغ کردن موقعیت‌ها خودش را خسته کرده است.

زمانی که موگویی نمی‌تواند علت منطقی برای گره‌افکنی فیلم ایجاد کند یک کاراکتر به فیلم اضافه می‌کند که اساساً دلیل مشخصی ندارد

زمانی که موگویی دستش به جایی نمی‌رسد و نمی‌تواند علت منطقی برای گره‌افکنی فیلم ایجاد کند یک کاراکتر به فیلم اضافه می‌کند که اساسا دلیل مشخصی ندارد و پس از پایان روایت‌ها و تمامی نقشه‌هایی که رؤیا برای سعید کشیده یکباره برای شکست دادن رامین و نیما و لاله با سعید همدست می‌شود، مگر می‌شود؟ آیا فیلمساز با مخاطب شوخی می‌کند؟ منطق همدستی سعید و رؤیا در بخش پایانی فیلم چیست؟ تمامی فیلم درباره شکست دادن سعید به دست رؤیا بوده اما در آخر طور دیگری می‌شود و تمام فیلم و حتی بخش دراماتیک اثر زیر سؤال می‌رود.

انگار فیلمساز جهت سرگرمی مخاطب فیلم ساخته و اصلا نگران اصول استاندارد فیلمش نبوده است، «ایده اصلی» به اشتباه یک اثر پیچیده است و فرسنگ‌ها با یک فیلم معمایی فاصله دارد چراکه فیلمساز هیچ چفت و بست اساسی برای فیلمش لحاظ نکرده و از سوی دیگر خوب است از فیلم «نقاب» به کارگردانی کاظم راست‌گفتار یاد شود که در آنجا فیلمنامه اصولی و ساختار محکم بود که وقتی روایت تغییر می‌کرد مخاطب به معنای واقعی رودست می‌خورد با اینکه تِم آن فیلم به هیچ وجه معمایی نبود، اساساً برای ساخت یک فیلم معمایی باید فیلمنامه بر اساس منطق‌های دندان‌گیر شکل بگیرد.

در «ایده اصلی» نگرش کارگردان فقط ردیف کردن تصاویر به هم پیوسته بوده است و جز روایتِ غیرخطی هیچ نکته دیگری در فیلم دیده نمی‌شود، اینکه ساخت اینگونه فیلم‌ها سخت است را نمی‌شود کتمان کرد اما این امتیاز در مواقعی به فیلم داده می‌شود که فیلمساز از ساختارِ غیرمرسوم در جهت روایت قصه‌اش استفاده بهینه کند و اگر نه هیچ اهمیتی ندارد که فیلم چگونه ساخته و روایت شود، این شکل و لحن فیلمنامه است که باعث جذابیت ساختار غیرخطی می‌شود.

زمانی که بستری مناسب برای شکل‌گیری شخصیت‌ها و ایجاد موقعیتِ منطقی شکل نگرفته باشد، چگونه می‌شود از فیلم انتظار جذابیت محتوایی و ساختاری داشت؟ شما را ارجاع می‌دهم به سکانسی که نیما در رستوران زمانی که می‌فهمد سعید پول ندارد رستوران را ترک می‌کند، حالا در روایت دیگر می‌بینیم نیما زمانی که رستوران را ترک کرده مستقیم سوار ماشین رؤیا می‌شود. اگر سعید به جای لاله دنبال نیما می‌رفت و رؤیا را می‌دید چه اتفاقی می‌افتاد؟ در سکانسِ شام در کشتی زمانی که رؤیا به موبایل لاله زنگ می‌زند نام رؤیا روی گوشی می‌افتد اگر سعید اتفاقی نام رؤیا را می‌دید کل نقشه لو می‌رفت و اضافه کنید ما با تیپی سروکار داریم که هیچ کدام تبدیل به شخصیت نمی‌شوند و نمی‌توانیم باورشان کنیم چراکه چیز زیادی از آنها نمی‌دانیم مثل رابطه نیما با رؤیا یا رابطه سعید با لاله و اساساً شکل و تعریف مشخصی از جدایی رؤیا و سعید به مخاطب ارائه نمی‌شود.

فیلم «ایده اصلی» نکته‌ای برای ارائه کردن در محتوا به خصوص در فرم ندارد. این فیلم به شدت ادعای پیام دادن دارد اما این پیام‌ها میان بخش لاکچری فیلم گم شده است و با فیلمی طرف هستیم که فیلمسازش از صفر تا صد یعنی از تیتراژ و آن هلی‌شات از قایق و ماشین لوکس تا سکانس پایانی که دوباره دو ماشین لاکچری از کنار هم می‌گذرند، فقط به فکر زندگی متفاوت بوده و نشان می‌دهد این چند آدم علاوه بر مرفه بودن مثلاً مغز متفکر هم هستند!

«ایده اصلی» یک فیلم توریستی و کارت پستالی است، البته تا قسمتی هم سفارشی، این فیلم دغدغه سینمایی ندارد و به دلیل شکلی که دارد نمی‌تواند برای مخاطب جذاب باشد، قطعاً این فیلم برای آزیتا موگویی و بازیگرانش اثری رو به جلو محسوب نمی‌شود، تراژدی فیلم اول موگویی با تمام ضعف‌هایش از «ایده اصلی» جلوتر است.

تلویزیون

مسابقه استعدادیابی تازه شبکه ۳

«میدون» به زودی روی آنتن می‌رود

مسابقه تلویزیونی «میدون» به زودی روی آنتن شبکه ۳ خواهد رفت.

«میدون» یک رقابت تلویزیونی استعدادیابی شغلی است که با هدف مشاوره و حمایت از کسب و کارهای برتر نوپا، طراحی شده و با حضور چهار داور متخصص و فعال در حوزه کسب و کار نوین پخش خود را آغاز خواهد کرد. فصل نخست «میدون» در ۲۶ قسمت و به صورت دو روز در هفته روانه آنتن خواهد شد.

دکتر مینا مهرنوش عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، مدیرعامل چندین شتاب دهنده و مرکز استعدادیابی و خلاقیت کسب و کار، دکتر علیرضا یونچی عضو مجمع عالی واردات، دکتر پرویز کرمی دبیر ستاد توسعه فرهنگ علم، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان و دکتر امیرحسین اسدی مدیرعامل چندین شتاب دهنده و استارت آپ، تیم داوری نخستین دوره از مسابقه بزرگ تلویزیونی «میدون» را تشکیل می‌دهند.

نما | حسین کشتکار

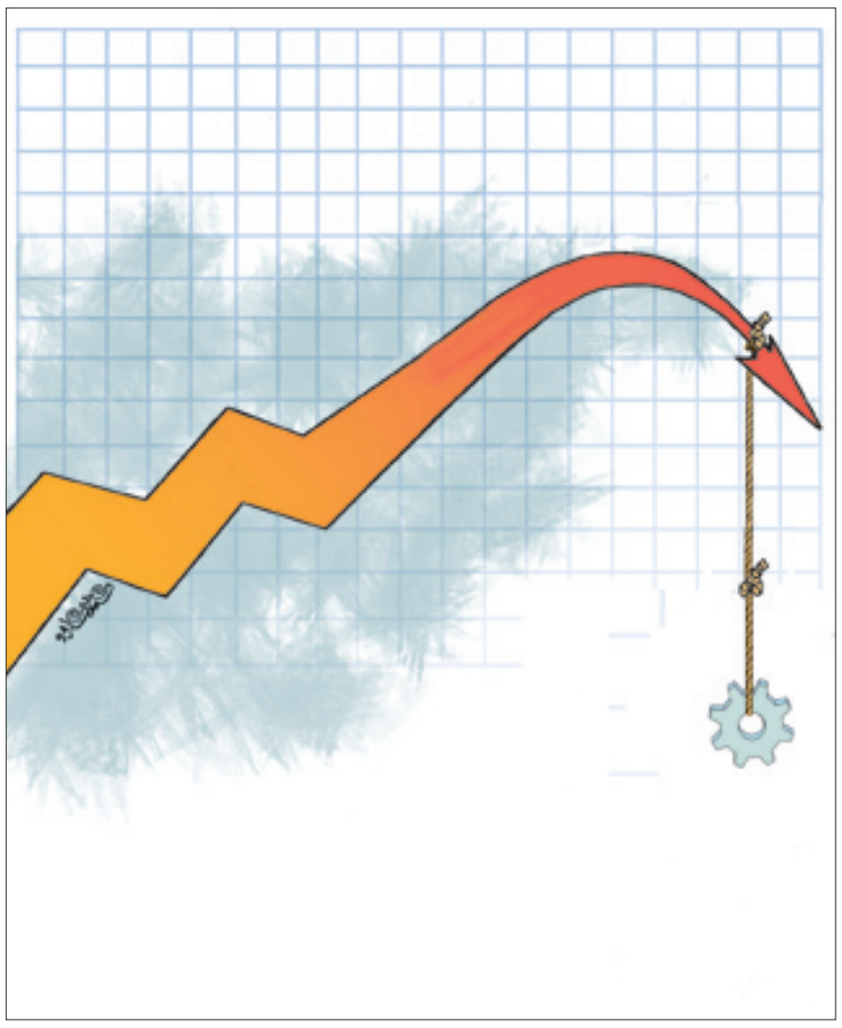

کوچ پدربزرگ به «خانه سبز ابدی»

داریوش اسدزاده بازیگر پیشکسوت تئاتر سینما و تلویزیون روز گذشته با زندگی وداع کرد

■ سیدمرتضی ذاکر

داریوش اسدزاده «پیشکسوت» و به تعبیری «پدر بزرگ» عرصه تئاتر، سینما و تلویزیون صبح روز گذشته و در آستانه ۹۶سالگی، پس از تحمل چندین ماه رنج بیماری سرطان درگذشت.

داریوش اسدزاده متولد اول آذر ۱۳۰۲ در کرمانشاه بود. پدرش ارتشی و مادرش خانه‌دار و هر دو اهل تهران بودند. او فارغ‌التحصیل معادل دکترای رشته ادبیات هنر در امریکا با تأیید دانشگاه تهران و دارنده نشان درجه یک هنر، استاد دانشگاه و بازیگر قدیمی بود. اسدزاده دبیرستان را در مدرسه معروف آن روزگار یعنی «دارالفنون» به پایان رساند اما احتمالاً علاقه‌اش به هنر بازیگری از زمانی شروع شد که به همراه پدر برای تماشای تئاترهای سنتی مثل سیاه‌بازی می‌رفت. هر چند مرحوم اسدزاده پیشتر در خاطراتش گفته بود پدرم برای اینکه مرا تشویق به درس خواندن کند، شب‌های جمعه مرا به تماشای تئاتر می‌برد اما احتمالاً آینده حرفه‌ای مرحوم اسدزاده با در کنار هم قرار گرفتن همین قطعات پازل گونه رقم خورده است.

مرحوم اسدزاده پس از استخدام در وزارت دارایی همزمان در مدرسه هنرپیشگی نیز تحصیل می‌کرد و نهایتاً در سال ۱۳۲۱ وقتی که جوانی ۱۹ ساله بود بازیگری و نویسندگی را نیز در تئاتر لاله‌زار شروع کرد و همان سال با نمایش لیلی و مجنون برای اولین بار روی صحنه رفت. این نقطه عطف در زندگی مرحوم اسدزاده در حالی رخ داد که پدرش با بازیگر شدن وی به شدت مخالف بود و او هم مجبور شد به صورت پنهانی فعالیت‌های هنری‌اش را ادامه بدهد.

وی در سال ۱۳۳۳ بعد از سال‌ها تجربه بازی در تئاتر توانست با فیلم سینمایی «همسر مزاحم» اولین بار جلوی دوربین برود. اسدزاده همزمان با کار دوم خود در سال ۱۳۳۵ به عنوان نماینده ایران به فستیوال تئاتر پاریس رفت، او به مدت سه ماه از طرف ایران مشغول تحقیق در تئاتر پاریس شد. اسدزاده بعد از بازگشت از فستیوال پاریس به شدت درگیر تئاتر شد و نزدیک به ۲۰۰ نمایشنامه کارگردانی و بازی کرد تا جایی که آوازه‌اش توجه هنرمندان امریکایی را نیز جلب کرد.

وی سال ۱۳۴۶ وقتی ۴۴ سالگی را تجربه می‌کرد به دعوت یکی از کمپانی‌های فیلمسازی راهی امریکا شد و بعد از تجربه بازی در امریکا به ایران بازگشت و در سال ۱۳۵۱ علاوه بر فعالیت‌های سینمایی به عنوان هیئت مدیره سندیکای سینمای ایران منصوب شد. او بعدها در سال ۱۳۶۶ با فیلم «گل مریم» به عرصه بازیگری بازگشت و با سریال «سمندون» سال ۱۳۷۴ به کارگردانی ناصر هاشمی وارد قاب تلویزیون شد، البته شهرت اسدزاده بیشتر به دلیل بازی در «خانه سبز» تولید سال ۱۳۷۵ به کارگردانی بیژن بیرنگ و مسعود رسام است.

مرحوم اسدزاده بعد از سال‌ها فعالیت در سال ۱۳۷۹ به مدت یک سال رئیس انجمن بازیگران ایران شد و به مدت پنج دوره عضو داوران خانه سینما بود. در ایام بعد از فتنه ۸۸ که برخی چهره‌های سینمایی جسارت حضور در هیچ اثر سینماییِ منتقدِ این اتفاق را نداشتند مرحوم اسدزاده با قبول پیشنهاد بازی در فیلم «قلاده‌های طلا» به کارگردانی ابوالقاسم طالبی اعتقاد به مام میهن و وطن‌پرستی واقعی را بدون کمترین سوگیری خاص سیاسی یا سیاست‌زدگی به نمایش گذاشت.

این هنرمند فقید که سال‌ها تئاتر و ادبیات تئاتر را در دانشگاه تهران تدریس می‌کرد طی مصاحبه‌ای دلیل کم‌کاری‌اش را عوارض پیری و فیلمنامه‌هایی که انگیزه را برای بازیگری در او ایجاد نمی‌کنند، عنوان کرد. مرحوم اسدزاده سال گذشته در مراسم بزرگداشت خود در خانه هنرمندان ضمن بیان برخی خاطرات، دلمشغولی‌ها و حسرت‌هایش، در رابطه با مهم‌ترین آرزویش گفته بود: «ناصرالدین آرزویش بود ۱۰۰ ساله شود اما به آرزویش نرسید امیدوارم من به آرزویم برسم و به قرن برسم». این هنرمند فقید آبان ۱۳۹۷ در سن ۹۵سالگی به بیماری سرطان مثانه مبتلا شد و از تابستان ۹۸ نیز به دلیل ضعف جسمانی در بیمارستان بستری شد که در نهایت روز گذشته به رحمت خدا رفت. این بازیگر پیشکسوت سینما و تئاتر در سال‌های اخیر متمرکز بر تألیف کتاب‌هایی درباره تاریخ تئاتر ایران و تاریخ تهران بود. وی در طول حیاتش در ده‌ها فیلم سینمایی سریال و تله‌فیلم بازی کرد که از آن جمله می‌توان به «دو نیمه سیب»، «همسر»، «قلاده‌های طلا»، «یتیم‌خانه ایران»، «زمان از دست رفته»، «بوی کافور عطر یاس» «خانه سبز»، «آژانس دوستی»، «روزگار جوانی»، «هوش سیاه»، «دردسرهای عظیم»، «سمندون» و «چرخ و فلک» اشاره کرد.

وزیر ارشاد خبر داد

مشاغل فرهنگی و هنری تعریف می‌شوند

■ هادی عسگری

با امضای دستورالعمل همگرایی پدیدآورندگان آثار فرهنگی و هنری که به امضای وزارت ارشاد و کار و رفاه اجتماعی رسید، مشاغل فرهنگی و هنری تعریف قانونی خواهند شد.

سیدعباس صالحی در نشست همگرایی دولت و پدیدآورندگان آثار فرهنگی و هنری، گفت: تلاش کردیم منابع سرمایه‌گذاری در حوزه‌های فرهنگی و هنری را تسهیل‌تر کنیم. معصومیت فرهنگی طوری بود که در منابع مالی مفقود است. در نامه‌ای به رئیس‌جمهور محترم درخواست دادیم که فرهنگ و هنر به دلیل اینکه در بخش منابع مالی مفقود شده است در صندوق توسعه ملی به آن توجه شود.

وی تصریح کرد: فرهنگ و هنر به عنوان اقتصاد و معیشت اهالی فرهنگی و هنری باید در منابع مالی جدی‌تر دیده شود. تشکیل مجتمع حل اختلاف فرهنگ، هنر و رسانه نیز با این نگاه بود که موضوعات و مشکلات این اهالی در فضای روان‌تر و آرام‌تری پیش رود و مسائل آنها سریع‌تر دنبال شود.

صالحی افزود: بهبود کسب و کار مقدمه واگذاری امور به مردم و اصناف است، بنابراین توجه به این امر ضروری است. این رویکرد مقومات و مقدماتی را لازم دارد. اگر بخواهیم بدانیم چرا این اتفاق تاکنون صورت نگرفته و همچنان چتر دولت‌ها بر فضای اقتصاد و معیشت مردم حاکم است باید به عوامل آن توجه داشته باشیم.

وی افزود: در این زمینه دو عامل مهم‌تر از دیگر عوامل است؛ ابتدا اینکه مردم باید در تمام این مسیر حضور داشته باشند نه در انتهای مسیر. گفت و گو به عنوان ارتباط دولت و مردم از سطح سیاستگذاری تا مرحله اجراست و مردم و دولت باید همپای هم حرکت کنند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در عین حال تصریح کرد: با همین نگاه در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آیین‌نامه شورای گفت و گو را تنظیم کردیم و با همین رویکرد اتفاق امروز شکل گرفت.

صالحی در ادامه تأکید کرد: برخی اوقات دولتمردان حس می‌کنند عقل کل هستند و فکر می‌کنند به جای مردم و آن مجموعه می‌توانند تصمیم کلان بگیرند در حالی که باید در مسیر تدوین قوانین همراهی و همفکری مردم را جدی بگیریم.

صالحی گفت: عامل دوم اینکه نهادهای مدنی در ایران در ۱۵۰ سال گذشته به خوبی شکل نگرفته‌اند و این باعث می‌شود تفویض و واگذاری به مردم کمتر شکل بگیرد و دولت بزرگ‌تر و ناکارآمدتر شود؛ تکلیفی که در برنامه ششم توسعه ارجاع شده و یک تکلیف قدیمی است اما تاکنون به بار ننشسته است و این اتفاق در حال شکل گرفتن است. در انتهای این نشست که با حضور محمد شریعتمداری وزیر کار، تعاون و رفاه انجام شد، میان دو وزارتخانه تفاهمنامه‌ای امضا شد.

خبر

«ورای صلح و جنگ» درباره اسارت حجت‌الاسلام ابوترابی‌فرد رونمایی می‌شود

مستند «ورای صلح و جنگ» روایتی متفاوت از زمان حضور حجت‌الاسلام سیدعلی‌اکبر ابوترابی‌فرد در اردوگاه اسرای ایرانی در عراق رونمایی می‌شود.

آیین رونمایی از مستند «ورای صلح و جنگ» با حضور عوامل این فیلم در فرهنگسرای رسانه برگزار می‌شود. این مستند روایتی صریح و دقیق از سید آزادگان، حجت‌الاسلام ابوترابی‌فرد و بیانگر بخشی از ابعاد بین‌المللی آزادگان سرافراز دفاع مقدس است.

«آندریاس ویگر» رئیس کمیته بین‌المللی صلیب سرخ که در اردوگاه اسرای ایرانی در عراق حضور داشته است، ناگفته‌هایی از آزاده سرافراز را بیان کرده است. همچنین در این فیلم مستند، اولین روایت از دیدار «ویگر» و «حجت‌الاسلام ابوترابی‌فرد» در اردوگاه موصل به نمایش درآمده است.

این مستند ۳۰دقیقه‌ای به کارگردانی و تهیه‌کنندگی «رضا عسگرلو» در کشورهای سوئیس و فرانسه تصویربرداری شده است و در کنار پرداختن به شخصیت والای حجت‌الاسلام علی‌اکبر ابوترابی‌فرد، تاثیرگذاری او بر مأموران صلیب سرخ و نقش اندیشه اسلامی-ایرانی را در صلح جهانی و حقوق بین‌المللی بشردوستانه مورد بررسی قرار داده است. این فیلم مستند روز سه‌شنبه پنجم شهریورماه ساعت ۱۰ در حضور نمایندگان رسانه‌های جمعی برای اولین بار در فرهنگسرای رسانه رونمایی می‌شود.

هشدار پلیس به سلبریتی‌ها

داشتن بادیگارد غیرقانونی است

■ محمد صادقی

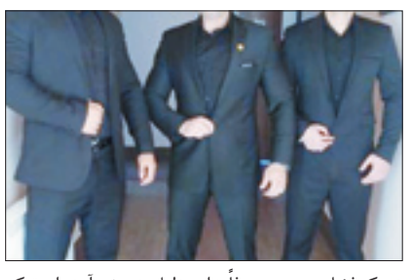

رئیس پلیس تهران به سلبریتی‌ها درباره داشتن بادیگارد هشدار داد و آن را غیرقانونی دانست.

چند روز پس از انتشار تصاویر بازیگران و تلویزیون که در رفت و آمد در سطح شهر از بادیگارد و محافظ شخصی استفاده می‌کنند، پلیس نسبت به این اقدام در حال گسترش واکنش نشان داد. سردار حسین رحیمی، فرمانده انتظامی تهران بزرگ درباره استفاده برخی سلبریتی‌ها از بادیگاردهای شخصی، اظهار کرد: در کشور نه بادیگارد داریم و نه چنین مجوزی برای افراد صادر کرده‌ایم و هر گونه اقدام در این رابطه غیرقانونی و خلاف است. فرمانده انتظامی تهران بزرگ تصریح کرد: ممکن است فردی بخواهد از شخص دیگری در رفت‌وآمدهایش استفاده کند، اما بادیگاردها هیچ رسمیت و مجوزی ندارند.

وی متذکر شد: پلیس هیچ گونه امکانات دفاع شخصی به افرادی که با عنوان بادیگارد اقدام به فعالیت می‌کنند، نداده و نخواهد داد. تردد همراه با محافظان شخصی که اغلب دارای بدن‌های ورزیده و عضلانی هستند، باعث جلب توجه و به نوعی ابراز وجود و شخصیت در میان سلبریتی‌ها تبدیل شده است. در اغلب تصاویر منتشر شده از چهره‌های مشهور سینما و موسیقی، همراهی افرادی با عنوان محافظ شخصی دیده می‌شود. این رفتار حتی در میان اینفلوئنسرها و بازیگرهای گمنام سینما نیز در حال گسترش است و داشتن بادیگارد به بخشی از اداهای سلبریتی بودن تبدیل شده است.

نکته جالب این است که بعضاً دیده شده حضور یک سلبریتی در یک فضای عمومی صرفاً به این دلیل به چشم آمده است که چند بادیگارد با فیگورهای خاص دور وی حلقه زده و او را در کانون توجه قرار داده‌اند.

تصویر حضور شیلا خداداد در مراسم رونمایی از کتاب همراه با محافظان یا رفتن بهنوش بختیاری به یک جنشن همراه با بادیگاردهایش واکنش‌های زیادی را در میان کاربران شبکه‌های اجتماعی داشته است.

بعضی از سلبریتی‌ها نیز به جای استفاده از مردان قوی هیکل از زنان برای محافظت از خودشان استفاده می‌کنند. دکتر عبدالله گنجی با انتشار توئیتی در این باره می‌نویسد: «جامعه‌شناسان درباره پدیده نوظهور بادیگارد زن سلبریتی اظهار نظر کنند. لزومش چیست؟ دشمنانی دارند و ما نمی‌دانیم یا دچار توهم شده‌اند با تعدادی فالور. فکر می‌کنند ایران و جهان تمام قامت آنها را مشاهده می‌کنند و حسودند یا از دویدن چند تا مرد دنبال خود لذت می‌برند یا پول اضافی یا اسید...»